

نقش فناوری‌های نوین در توسعه و تعمیق پژوهش‌های اسلامی

گزارش دوازدهمین نشست از سلسله نشست‌های علمی علوم انسانی و اسلامی دیجیتال

در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

دوشنبه ۱۴۰۱/۹/۲۱

ارائه‌دهندگان:

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید کاظم طباطبایی (رئیس پژوهشکده علوم و معارف حدیث پژوهشگاه قرآن و حدیث)

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید رضا مؤدب (عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه قم)



اشاره

به مناسبت هفته پژوهش، دوازدهمین نشست از سلسله نشست‌های علوم اسلامی و انسانی دیجیتال با موضوع «نقش فناوری‌های نوین در توسعه و تعمیق پژوهش‌های اسلامی» در تاریخ ۲۱ آذر ۱۴۰۱ در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در شهر مقدس قم برگزار گردید.

در این جلسه، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید کاظم طباطبایی، رئیس پژوهشکده علوم و معارف مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث به مقایسه شرایط پژوهش در گذشته و حال پرداختند و با اشاره به برکات فناوری اطلاعات، نقش آن را در تسریع و تعمیق پژوهش‌های اسلامی مهم دانستند. ایشان همچنین، به آسیب‌های فناوری اطلاعات برای امر تحقیق و پژوهش هم اشاره کردند و بایسته‌هایی را برای تولید نرم‌افزارهای پژوهش محور ترسیم نمودند.

افزون بر این، در نشست مذکور، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید رضا مؤدب، عضو هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه قم نیز با تأکید بر اهمیت جایگاه فناوری اطلاعات، نمونه‌هایی از نکات علمی برآمده از به‌کارگیری رایانه و نرم‌افزارها در پژوهش را ذکر کردند و در این راستا، بایسته‌هایی را برای ادامه تولید برنامه‌های پژوهشی مرکز نور بیان نمودند.

حجت‌الاسلام دکتر سید کاظم طباطبایی

- ارکان پژوهش

به‌عنوان مقدمه، نکته‌ای را عرض کنم؛ اینکه پژوهش‌های اسلامی در روزگاری که زندگی می‌کنیم، قابل مقایسه با پژوهش در ۵۰ سال گذشته نیست، برمی‌گردد به آثار فناوری و تولیداتی که بر این اساس پدید آمده است. در ادامه، مفصل‌تر به این بخش خواهم پرداخت.

یکی از ارکان پژوهش، تبیین دقیق و عمیق مسئله است که مربوط به هوش و تلاش پژوهشگر می‌شود. جمع‌آوری داده‌ها، منابع و مستندات، رکن دیگر آن به‌شمار می‌رود. این کار در گذشته، توسط پژوهشگر یا آدم‌های خاص انجام می‌شده است؛ اما امروزه نقش فناوری در این حوزه، اصلی و اساسی است. برای این کار در گذشته، پیشینیان وقت زیادی صرف می‌نمودند و مشقت‌های فراوانی متحمل می‌شدند، تا مطلبی که می‌خواهند را به دست بیاورند.

مرحوم آیت‌الله صافی در زمان تألیف کتاب منتخب الأثر به دنبال روایتی در یک کتاب بودند. آن کتاب را در قم پیدا نکردند؛ به تهران رفتند و در کتابخانه‌های تهران به دنبال آن بودند که عاقبت در یک کتاب‌فروشی آن را پیدا نمودند. ایشان نوشته‌اند که همان‌جا نشستیم و آن کتاب را استنساخ کردم تا یک آدرس از آن ذکر کنم.

زمانی که مرحوم آقای غفاری، کتاب محجة البیضاء مرحوم فیض را تصحیح می‌نمودند، به کتاب مجمع الزوائد نیاز داشتند تا چند نشانی به آنجا ارجاع دهند؛ از این جهت که برخی روایات احیاء العلوم، در مجمع الزوائد است. این کتاب در ایران نبود. بنابراین، به روح شیخ صدوق متوسل شدند و پس از بازگشت از مزارش، دیدند که تعدادی کتاب از لبنان برای یک بازاری آمده است. این بازاری گفته بود این کتاب‌ها زیادی است؛ اینها را ببرید. ایشان می‌گویند تا کتاب را برداشتم، دیدم اولی مجمع الزوائد است. این قضیه را ایشان کرامت شیخ می‌دانستند و اما برای ما که تعریف می‌کردند، ما اصلاً



نمی‌فهمیدیم و با خود می‌گفتیم مجمع الزوائد که در نرم‌افزارها هست. بنابراین، فناوری اطلاعات در جمع‌آوری داده‌ها و منابع و مستندات که در پژوهش‌های اسلامی جایگاه اساسی و اصلی دارد، نقش مهمی ایفا کرده است. در ادامه، زیرشاخه‌های این بحث را توضیح خواهم داد.

مرحله بعد، اعتبارسنجی داده‌هاست که یک کار انسانی سیستمی است. از آنجا که سیستم به‌عنوان ابزار برای پژوهشگر عمل می‌کند، علاوه بر آن، به هوش انسانی هم نیازمندیم. آخرین مرحله نیز تحلیل داده‌ها و تلاش برای تولید یافته‌های جدید است. در این مرحله، کاملاً متکی به هوش پژوهشگر هستیم و ماشین کمکی به ما نمی‌کند. البته در آینده با استفاده از هوش مصنوعی، شاید بتوان کارهایی را انجام داد.

– برکات فناوری اطلاعات برای پژوهشگران

امروزه فناوری در سرعت دستیابی و اعتبارسنجی اطلاعات به ما کمک می‌کند. ما می‌بینیم بزرگانی مثل مرحوم علامه امینی برای نگارش الغدیر در آن زمان به هند سفر کردند تا کتب روایی را از کتابخانه‌ها جمع‌آوری و استنساخ کنند؛ درحالی‌که امروز ما خیلی راحت همه این منابع را در اختیار داریم و باید گفت این دسترسی گسترده به منابع نقلی، اصلاً برای پیشینیان قابل تصور نبوده است. اینها همه از برکات فناوری اطلاعات بوده که در اختیار ما قرار گرفته است.

یکی از برکات فناوری، کاهش فراوان هزینه‌های دسترسی به منابع و کاهش زمان جست‌وجوهای واژگانی، ریشه‌ای و مضمونی است که در کارهای نور به چشم می‌خورد. مزیت دیگر این محصولات، دسترسی به منابع دست اول است؛ به عنوان مثال، در آثار ۵۰ سال گذشته به سفینه البحار ارجاع داده شده و یا برخی به کتاب بحار الأنوار که منبع واسطه است، ارجاع داده‌اند؛ با استفاده از فناوری، به راحتی به منابع دست اول اینها می‌توان دست پیدا کرد.

دسترسی آسان به نسخه‌ها و نسخه‌بدل‌ها، یکی دیگر از اتفاقات مبارک در عرصه جدید است. در زمان

حجت الاسلام طباطبایی:

یکی از ارکان پژوهش، تبیین دقیق و عمیق مسئله است که مربوط به هوش و تلاش پژوهشگر می‌شود. جمع‌آوری داده‌ها، منابع و مستندات، رکن دیگر آن به شمار می‌رود. این کار در گذشته، توسط پژوهشگر یا آدم‌های خاص انجام می‌شده است؛ اما امروزه نقش فناوری در این حوزه، اصلی و اساسی است. برای این کار در گذشته، پیشیان وقت زیادی صرف می‌نمودند و مشقت‌های فراوانی متحمل می‌شدند، تا مطلبی که می‌خواهند را به دست بیاورند

مرحوم علامه مجلسی(ره)، تنها منبع تفاوت نسخه‌ها و نسخه‌بدل‌ها تا سال ۱۳۳۰ شمسی، کتاب بحار الأنوار بود؛ از این جهت که هیچ شخصی مثل ایشان، دسترسی گسترده به منابع دست اول نداشت. بنابراین، در گزارش‌ها باید به ایشان اعتماد می‌کردیم؛ ولی الآن می‌بینیم که به جهت وجود امکانات فناورانه، چند پله از مرحوم علامه مجلسی جلوتر افتادیم؛ به عنوان مثال، ما برای تصحیح نهج‌البلاغه، نزدیک به ۳۰۰ نسخه شناسایی کردیم. اینها را با هم مقایسه کردیم تا به ۴۰ نسخه عکسی رسیدیم. وقتی اینها را تصحیح نمودیم، متوجه شدیم که چقدر اشتباهات در نسخه‌های پیشین اتفاق افتاده است؛ برای نمونه، برخی از واژگان یا سطرها را با یک خط خاص که چنگر نام دارد، می‌نوشتند. اینها در نسخه عکس سیاه و سفید پیدا نیست یا درست خوانده نمی‌شود؛ بلکه با عکس رنگی از نسخه‌ها خوانش می‌شود. بنابراین، اشتباه در کارهای پیشینان، امری طبیعی است و اگر هم اشکالی نداشته‌اند، به امداد الهی بوده است.

یکی دیگر از قابلیت‌های فناورانه، بحث مشابه‌یابی است. اینکه محقق بتواند در پژوهش‌های نقلی، منابع هم‌عرض را بشناسد و با هم مقایسه کند و از مشابه‌یابی مضمونی استفاده نماید، کار بسیار بزرگی است که توسط هوش مصنوعی انجام گرفته است.

فناوری دیجیتال، در بحث تبیین دقیق و منسجم مسئله، چندان توفیقی نداشته است. ما در این بخش، متکی به اشخاص هستیم؛ به عنوان نمونه، در مباحث فقهی که طبیعتاً خیلی روند منضبط‌تری دارند، ما می‌بینیم که هنوز به هوش و استعداد و توان علمی فرد وابسته هستیم. در مورد اعتبارسنجی متون، باید گفت هرچند دستگاه (کامپیوتر) کمک شایانی به ما می‌کند، ولی هنوز ما را بی‌نیاز از هوش متخصص نمی‌کند. در مورد تحلیل داده‌ها، به منظور تولید یافته‌های جدید نیز ما هنوز متکی بر شخص هستیم و فناوری‌های نوین، اثر محسوسی نداشته است.

– آسیب‌های فناوری اطلاعات برای پژوهشگران

اولین مسئله، وقوع اشتباه در داده‌هاست که یک آسیب بزرگ در این حوزه به شمار می‌رود؛ چراکه اعتماد

زیادی به متون ارائه شده وجود دارد و این اشتباه، به پژوهش‌ها نیز سرایت می‌کند. دومین آسیب که واقعاً مشکل‌زاست، این است که ما در دوره کهن، یک معنی به نام «کمبود داده‌ها» داشتیم که به عدم نتیجه‌گیری‌های دقیق منجر می‌شد؛ اما در این دوره، انباشت داده‌ها و حجم زیاد آن، موجب سردرگمی محقق شده است. به قول یکی از غربی‌ها: قدیمی‌ترهای ما، در میدان بزرگی زندگی می‌کردند؛ اما تمرکزشان بر یک پنجره کوچک بود؛ ولی ما برعکس، پشت پنجره‌ای کوچک، میدان بزرگی را می‌بینیم. بنابراین، انباشت داده‌ها، دقت ما را در پژوهش کاهش می‌دهد؛ مثلاً در مورد واژه «انس»، جست‌وجویی داشتیم. قبل از اینکه اعراب هم در جست‌وجوها داخل شود، شاید سه درصد جواب دستگاه برای بنده کارایی داشت و بقیه آن، زاید بود.

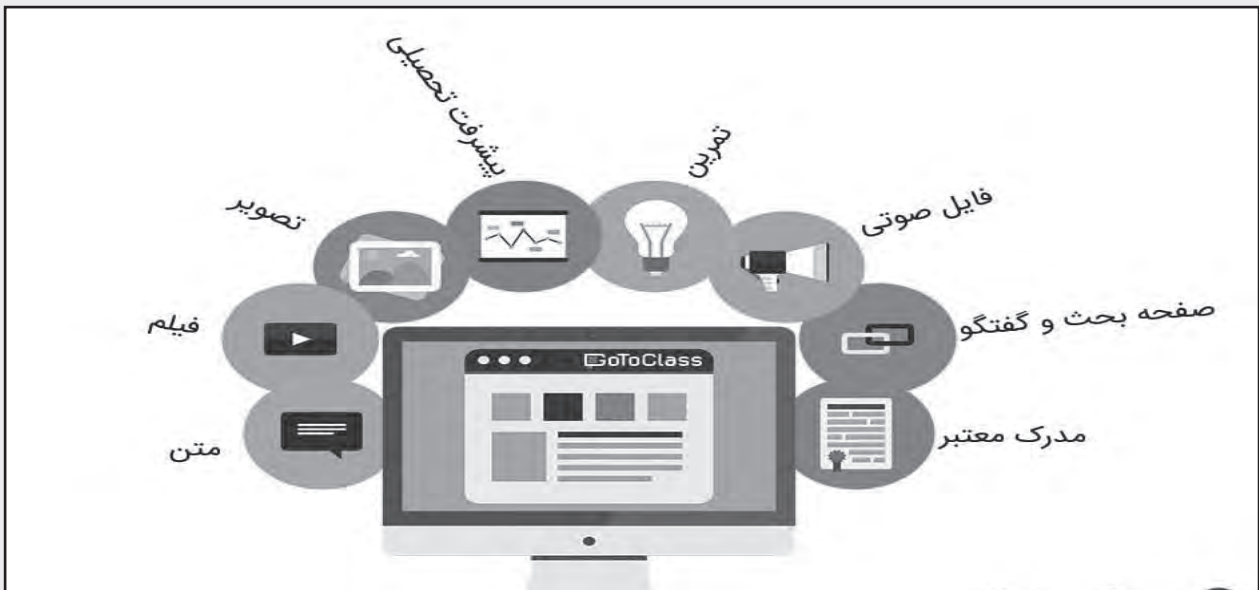
آسیب بعدی اینکه قدیمی‌ترها به دلیل اینکه فناوری در اختیارشان نبود، حافظه بهتری داشتند؛ اما امروزه به شدت متکی به فناوری شدیم؛ به عنوان نمونه، خاطریم هست که هر جا به مشکل می‌خوریم، با مرحوم آیت‌الله ری‌شهری تماس می‌گرفتیم. ایشان با تکیه بر حافظه خود، به راحتی ۱۰ تا ۲۰ نمونه ذکر می‌کردند. ایشان متون حدیثی را خوانده بودند و حافظه‌ای قوی داشتند. الان که ایشان بین ما نیستند، می‌فهمیم که وقتی می‌خواهیم مطلبی را پیدا کنیم، چقدر باید زحمت بکشیم، تا همان دو دقیقه تماس تلفنی را پوشش دهیم. یا مثلاً محضر آیت‌الله شبیری، گاهی اوقات مسئله‌ای کوچک مطرح می‌شد و ایشان، حتی نسخه‌بدل‌های متن، در خاطرشان بود.

آسیب بعدی، توهم پژوهشگری یا توهم دانایی است. پژوهش‌نمایی که به‌ظاهر حالت پژوهشگر دارند، ولی در واقع، به دنبال پژوهش نیستند، این اشخاص، به‌راحتی با جمع‌آوری داده‌ها، مقاله تألیف می‌کنند. از این رو، ما می‌بینیم بیشتر مواردی که به عنوان پژوهش‌های اسلامی ارائه می‌شود، در حقیقت پژوهش نیست. علمای گذشته مثل مرحوم بحرانی، الدرر النجفیه را با ۶۹ مقاله تألیف نمودند؛ با اینکه ایشان تفکر اخباری داشته، اما این تعداد مقاله علمی نوشته‌اند؛ اما با توسعه فناوری، این پژوهش‌ها کم‌کم رخت بسته است.

– بایسته‌های نرم‌افزارهای پژوهشی مرکز نور

یکی از کارهای لازم در خصوص توسعه پژوهش در محصولات نور، این است که مرکز همه کتاب‌های علوم اسلامی را تبدیل به اطلاعات دیجیتال کند. برای اینکار، هرچه لازم است، اعم از: مسائل مالی، مالکیت معنوی و... باید حل‌وفصل و فراهم گردد. همچنین، ارائه نسخ اصلی و فرعی به صورت عکس رنگی، در دستور کار قرار گیرد؛ تا اینکه کامل‌ترین اطلاعات مربوط به علوم اسلامی در مرکز موجود باشد. من گاهی اوقات به یک نسخه عکسی، نیاز پیدا می‌کنم. به جهت عدم دسترسی به نسخه اصلی، مثلاً مجموعه مقالات مرحوم فرزاد را بررسی می‌کنم، تا به نکته‌ای که راجع به صحیفه سجادیه دنبال می‌کنم، دست پیدا کنم. اینها پژوهش را با دشواری همراه ساخته است.

لازم است، مرکز همه نسخه‌های موجود در کشورهای دیگر را جمع‌آوری و ارائه نماید. متأسفانه، یک خساستی در ارائه نسخ در ایران و عراق و برخی کشورهای اسلامی به چشم می‌خورد؛ اما غربی‌ها این خساست را ندارند. یکی از دوستان ما راجع به کتاب تهذیب، حدود دو سال به دنبال نسخه تهذیب آستان قدس بود، در نهایت، با یک پست الکترونیک، همه نسخه‌های تهذیب را که در فرانسه بود، برای او فرستادند.



کار بعدی، این است که اطلاعات از جوانب و زوایای دانشی گوناگون طبقه‌بندی شود؛ به عنوان نمونه، در بررسی یک روایت - چنان که در کار رضوی کاملاً به چشم می‌خورد - از زاویه تاریخی، کلامی، فقهی، سیاسی، فرهنگی و جغرافیایی بتوانید نگاه کنید. به این منظور، باید نمایه‌زنی داده‌های پیشین ما، از منظر دانشی، متفاوت باشد.

نکته پایانی اینکه با تربیت متخصصان هوش مصنوعی و با تسلط به یافته‌های به‌روز در دنیا در این حوزه، هوش مصنوعی را در پژوهش‌های اسلامی به کار بگیرید. طیف متعدد و متفاوت مخاطبان، طبیعتاً خروجی‌های متعدد و متنوع می‌طلبد. این کار باید در دستور کار مرکز قرار گیرد؛ یعنی کاری که در حوزه قرآنی برای پژوهشگران قرآنی انجام می‌شود، نیازهای خاصی دارد که باید برآورده شود و با کار برای گروه دیگر، فرق می‌کند. این گروه خاص، فرهیختگانی‌اند که به تولید و رشد علم کمک می‌کنند.

نقل شده که مرحوم علامه طباطبایی المیزان را بدون نقطه می‌نوشتند. بعد دوباره بازنویسی می‌کردند. ایشان گفته بود هفته‌ای یک ربع از وقتم، با این کار، صرفه‌جویی می‌شد. برای این دست از محققان، سرعت بخشیدن به تحقیق، خیلی اهمیت دارد. بنابراین، مرکز نیاز مخاطبان خاص و عموم پژوهشگران را باید در نظر بگیرد و از محققان خاص هر حوزه بخواهد تا اشکالات آثار را برای اصلاح در اختیار مرکز قرار دهند؛ به عنوان نمونه، یکی از برنامه‌های مرجع مرکز، درایة النور است. در بین طلاب و غیرطلاب، کسی سراغ کتاب معجم رجال نمی‌رود. من بار اول که درایه به دستم رسید، عرض کردم که مشیخه در وصف اسناد به کار گرفته نشده و این اشکال، در دوره‌های بعدی، اصلاح شد. بنابراین، باید خروجی کار، مورد تأیید فرهیختگان باشد.

نکته دیگر اینکه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در منبع‌شناسی به عنوان مرجع مورد توجه پژوهشگران است. از این رو، لازم است کتاب‌شناسی با ملاک و معیار در دستور کار مرکز قرار گیرد. منبع‌شناسی، واقعاً یک کار تخصصی است و اعتبارسنجی منابع، از آن هم تخصصی‌تر است. بنده حدوداً ۴۰ معیار در منبع‌شناسی را انتخاب کردم که باید مورد توجه قرار داد. این‌ها را در اختیار مسئولان محترم قرار می‌دهم. بسیاری از این موارد، در کارهای منبع‌شناسی شما پُررنگ نیست. برخی از موارد هم کلاً

مغفول واقع شده است.

بنابراین، اعتبارسنجی منابع هم باید صورت بگیرد. مرکز تا به امروز، فقط اعتبارسنجی سندی را با نرم‌افزار درایة النور انجام داده است. امروزه، مواجهه پژوهشگران و مخاطبان عام با انبوه اطلاعات و منابع متنوع، می‌طلبد که این منابع، رتبه‌بندی شود. در این راستا، منابعی که بیشتر مورد اعتماد است، باید از لحاظ کمیّتی مشخص شود؛ نه از لحاظ کیفی؛ مثلاً باید معلوم شود کتاب «کافی» گل سرسبد کتاب‌های ماست؛ با وجود اینکه ممکن است روایاتش دارای اشکال باشد و یا کتاب «من لایحضره الفقیه» مرحوم شیخ صدوق (ره) با کتاب خصالش فرق می‌کند. اگرچه مخاطبان خاص و محققان درجه یک، نیازی به چنین رتبه‌بندی‌هایی ندارند، اما مخاطبان عام، اطلاع از این ظرافت‌ها را لازم دارد. بنابراین، باید برای ۹۹ درصد مخاطبان برنامه‌ها، این کار انجام شود.

حجت‌الاسلام دکتر سید رضا مؤدب

– تأثیر فناوری اطلاعات بر پژوهش‌های اسلامی

نسل ما که در فضای ۴۰ سال پیش، تحقیق را شروع کرده، به‌خوبی اهمیت و جایگاه مجموعه‌های علمی که نرم‌افزارهای علوم اسلامی را تولید می‌کنند، می‌داند. این ابزارها خیلی روان و سریع به ما در دستیابی به مطلب مورد نظر کمک می‌کنند. در اوایل شروع به کار این مرکز، خاطریم هست که چند عدد سیستم بود؛ برای جست‌وجو در نوبت می‌نشستیم تا سیستم روایتی را پیدا کند. علمای گذشته، مثل مرحوم آیت‌الله بروجردی، گاهی یک ماه برای پیدا کردن یک روایت وقت می‌گذاشتند. گاهی منزل اساتید و علما می‌رفتیم که کتاب‌ها همین‌طور به صورت صفحه باز چیده شده بود؛ زیرا می‌خواستند نشانی مطلبی را که پیدا نموده‌اند، گم نشود؛ اما امروز با این ابزارها ده‌ها کتاب را هم‌زمان بدون فوت وقت، باز می‌کنید و مقایسه می‌نمایید. بنده واقعاً بابت تولید آثار فاخر مرکز از ریاست مرکز، مجموعه کارگزاران و مقام معظم رهبری، تقدیر و تشکر می‌کنم.

برای بیان قابلیت‌های پژوهش با کمک فضای دیجیتال، یک مثال عرض می‌کنم. این حدیث، از جلد دوم کتاب کافی راجع به اهمیت و عدد آیات قرآن است. متن روایت که در کتاب فضائل القرآن کافی،

حجت‌الاسلام طباطبایی:

با تربیت متخصصان هوش مصنوعی و با تسلط به یافته‌های به‌روز در دنیا در این حوزه، هوش مصنوعی را در پژوهش‌های اسلامی به کار بگیرید. طیف متعدد و متفاوت مخاطبان، طبیعتاً خروجی‌های متعدد و متنوع می‌طلبد. این کار باید در دستور کار مرکز قرار گیرد؛ یعنی کاری که در حوزه قرآنی برای پژوهشگران قرآنی انجام می‌شود، نیازهای خاصی دارد که باید برآورده شود و با کار برای گروه دیگر، فرق می‌کند. این گروه خاص، فرهیختگانی‌اند که به تولید و رشد علم کمک می‌کنند

در «باب النوادر» در آخرین روایت ذکر شده، این است:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي جَاءَ بِهِ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، سَبْعَةَ عَشَرَ أَلْفَ آيَةٍ.» (۱) در نگاه اول، محقق با این سؤال مواجه می‌شود که قرآن ۶۲۳۶ آیه دارد؛ چگونه این روایت می‌گوید: سبعة عشر الف، یعنی ۱۷۰۰۰ آیه دارد. این حدیث، چگونه با عدد واقعی آیات قرآن، قابل جمع است؟

محقق ابتدا به دنبال میزان اعتبار این روایت است. مرحوم مجلسی در کتاب مرآة که شرح متنی و سندی کافی است، دسترسی به روایات مشابه این روایت را نداشته است. به همین دلیل، عبارت عجیبی در این کتاب دارد. ایشان ابتدا راجع به سند می‌گویند: «موثق و الخبر صحيح.» بعد در ادامه می‌فرماید: «فالخبر صحيح و لا يخفى أن هذا الخبر و كثير من الأخبار الصحيحة صريحة في نقص القرآن و تغييره، و عندی أن الأخبار في هذا الباب متواترة معنی، و طرح جميعها يوجب رفع الاعتماد عن الأخبار رأساً بل ظنی أن الأخبار في هذا الباب لا يقصر عن أخبار الإمامة فكيف يثبتونها بالخبر.» (۲)

معنای سخن ایشان، این است که به جهت وجود روایات متواتر در این زمینه، باید گفت قرآن دچار نقص شده و مورد تحریف قرار گرفته است. مرحوم مجلسی به دلیل این سخن، امروزه مورد هجوم است. ایشان اخباری مسلک بودند و در کتاب بحار الأنوار یک دور تفسیر موضوعی قرآن را ارائه نمودند؛ با این حال، اینجا قائل به تحریف قرآن می‌شود.

مرحوم مجلسی با مرحوم فیض کاشانی در یک دوره بودند و هر دو از محدثان متأخر هستند. مرحوم فیض کاشانی هم این روایت را ذکر می‌کند؛ با این تعبیر: «إِنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي جَاءَ بِهِ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَبْعَةَ أَلْفِ آيَةٍ.» (۳) ایشان «عشره» را در متن روایت ذکر نکردند. بنابراین، تعبیر روایت این می‌شود که قرآن ۷۰۰۰ آیه دارد. با این بیان، استناد به روایت و اثبات تحریف قرآن، باطل می‌شود. مرحوم فیض کاشانی در کاشان، و علامه مجلسی در اصفهان بودند و هر دو، در یک زمان زندگی کرده‌اند. علت اختلاف روایت ایشان از کافی، تفاوت نسخه‌ای بوده که در دست داشتند. مؤسسه دار الحدیث، اخیراً نسخه جدید کافی را در ۱۵ جلد تصحیح نموده است. در آنجا دوستان ما به کمک محققان، توضیح می‌دهند که این روایت، به این شکل (یعنی ۷۰۰۰ آیه)، قابل قبول است؛ چراکه عدد ۷۰۰۰ با عدد ۶۲۳۶ تقریباً خیلی نزدیک است. نسخه دانشگاه تهران که اصیل‌ترین نسخه به شمار می‌رود، ظاهراً همان نسخه‌ای است که مرحوم فیض کاشانی داشته است که عدد آیات را ۷۰۰۰ گفته است. بنابراین، باید گفت که مرحوم مجلسی اگر متن نسخه اصیل را دیده بودند، به این صراحت قضاوت نمی‌کردند. اخباریون مثل مرحوم محدث نوری، مرحوم اسطرابادی و دیگران، به دلیل اینکه دسترسی به روایات اصیل نداشتند و یا همه روایات و مصادر را ندیده بودند، قائل به تحریف شدند. آقای ظهیر احسان الهی در پاکستان، فصل الخطاب ما را به نام «الشيعة والقرآن» چاپ کرده و روایات تحریف را قریب به ۱۰۰۰ مورد ذکر کرده و می‌گوید شیعه، قائل به تحریف قرآن است. این کار او، سبب شده تا در پاکستان و کشورهای دیگر، نزاع و کشتار اتفاق بیفتد. این موارد، با آثار دیجیتالی که ارائه شده و نسخ مختلف را جمع‌آوری نموده، به راحتی قابل پاسخ است.

سال‌ها پیش تصمیم گرفتیم که در سفر به مکه، به دانشگاه ام‌القری بروم. در ایام عمره بود و من معمم نبودم؛ با لباس عربی به دانشگاه رفتم. به ما گفتند هنگام گذشتن از درب ورودی، خیلی سریع عبور کنید؛ ممکن هست شک کنند. وارد اتاق رئیس دانشکده شدم. خودم را معرفی کردم و گفتم از دانشگاه قم برای گفت‌وگو و همکاری آمدم. نگفتم از حوزه قم آمدم؛ چون ممکن بود حساسیت ایجاد شود. رئیس دانشکده از من پرسید: نظرتان راجع به قرآن چیست؟ گفتم: قرآن ما، همان است که شما دارید.

گفت: نه قرآن شما با ما فرق دارد. شما معتقد هستید که قرآن، نام ائمه را داشته و خیلی سوره‌های آن، حذف شده است؛ شما قائل به تحریف هستید. گفتیم: نه، قرآن ما این جور نیست و گفتیم اگر شک دارید، بیایید قم. تا گفتیم قم، گفت: اگر ما بیاییم قم، ما را نمی‌کشید؟ من گفتیم: ما در دانشگاه قم، این همه دانشجوی اهل سنت داریم. در قم این همه بزرگان اهل سنت رفت‌وآمد دارند.

رئیس دانشکده جامع امّ القری، این ذهنیت را راجع به ما و شیعه دارد. اینها، به دلیل نرسیدن اطلاعات درست و کامل از شیعه است. من آنجا گفتیم: آقا نرم‌افزاری تولید شده به نام «جامع الأحادیث». در این اثر، کتب حدیثی مهم شیعه مثل کافی با نسخه‌های مختلف ارائه شده است. روایتی که عدد آیات را ۱۷۰۰۰ ذکر می‌کند، روایات مشابه دیگری هم دارد که عدد را ۷۰۰۰ ذکر کرده است. بنابراین، مسئله تحریف قرآن، حل شده است.

یک نمونه دیگر، گزارشی است که صاحب احتجاج در تفسیر آیه سوم سوره نساء ذکر می‌کند. این آیه، یکی از آیات پیچیده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِمَّنِّي وَ ثَلَاثٌ وَرُبَاعٌ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةٌ أَوْ مَا مَلَكَتُ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا.» (۴) راجع به ارتباط اول آیه با ادامه آیه، توجهات مفصلی ارائه شده است. در تفسیر نور الثقلین، روایتی از کتاب احتجاج گزارش شده که روایت خیلی معروفی است. زندیقی از حضرت علی (ع) سؤال‌هایی می‌پرسد؛ از جمله اینکه ظهور این آیه در چیست؟ حضرت در پاسخ می‌فرماید: ابتدای آیه، با بحث نکاح ارتباطی ندارد؛ اما بین این دو قسمت آیه، بیشتر از یک سوم قرآن، حذف شده است. متن حدیث چنین است: «لیس یشبه القسط فی الیتامی نکاح النساء و لا کل النساء یتامی فهو ما قدمت ذکره من إسقاط المناقین من القرآن و بین القول فی الیتامی و بین نکاح النساء من الخطاب و القصص أكثر من ثلث القرآن.» (۵) مشابه این روایت را مرحوم صدوق در کتاب توحید خود ذکر نمودند؛ اما این قسمت که حضرت می‌فرماید: «یک‌سوم قرآن، حذف شده است»، در این روایت ذکر نشده است. از آنجا که مرحوم مجلسی با مرحوم صدوق حدود دو قرن فاصله دارند، بنابراین، روایتی که مرحوم صدوق ذکر می‌کنند، نسبت به روایت

حجت‌الاسلام مؤدب:

نسل ما که در فضای ۴۰ سال پیش، تحقیق را شروع کرده، به خوبی اهمیت و جایگاه مجموعه‌های علمی که نرم‌افزارهای علوم اسلامی را تولید می‌کنند، می‌داند. این ابزارها خیلی روان و سریع به ما در دستیابی به مطلب مورد نظر کمک می‌کنند. در اوایل شروع به کار این مرکز، خاطریم هست که چند عدد سیستم بود؛ برای جست‌وجو در نوبت می‌نشستیم تا سیستم روایتی را پیدا کند. علمای گذشته، مثل مرحوم آیت‌الله بروجردی، گاهی یک ماه برای پیدا کردن یک روایت وقت می‌گذاشتند. گاهی منزل اساتید و علما می‌رفتیم که کتاب‌ها همین طور به صورت صفحه باز چیده شده بود؛ زیرا می‌خواستند نشانی مطلبی را که پیدا نموده‌اند، گم نشود؛ اما امروز با این ابزارها ده‌ها کتاب را هم‌زمان بدون فوت وقت، باز می‌کنید و مقایسه می‌نمایید

مرحوم مجلسی، نزدیک‌تر به عصر صدور است و اعتبار بیشتری دارد. بنابراین، شبهه تحریف قرآن هم حل می‌شود.

وقتی انسان آثار فناوری در پژوهش‌های اسلامی را مشاهده می‌کند، می‌بیند بسیاری از مشکلات علمی و قضاوت‌های نادرست امروزه، با همین سیستم‌های هوشمند حل شده است.

– نرم‌افزارهای نور، ابزار دست پژوهشگران

امروزه، دانشجویان بسیاری در دانشگاه‌ها، از این مجموعه‌های کتابخانه‌ای بسیار بزرگ و ارزشمندی استفاده می‌کنند؛ به عنوان نمونه، در نرم‌افزار جامع الأحادیث، نشانی، مصدر و راوی روایت مشخص است و یا مثلاً نرم‌افزار درایة النور که اعتبارسنجی روایات را به شکل سیستمی انجام می‌دهد. همچنین، در ارزیابی سند، آنجا که صحیح و مسند ذکر شده، طبقاتش هم وصل است و این قابلیت، خیلی اهمیت دارد. واقعا انسان هرچقدر حافظه قوی هم داشته باشد، نمی‌تواند این اطلاعات را به راحتی پیدا کند؛ زیرا تعداد روایان و طبقاتشان، زیاد است. حقیقتاً اگر انسان این نرم‌افزارها در اختیار نداشته باشد، هیچ چیزی ندارد.

البته باید این را هم گفت که تکیه بر حافظه سیستم، موجب شده تا حافظه ما نسبت به گذشتگان خیلی ضعیف شود. همچنین، کپی‌کاری پژوهشگر‌نماها از نوشته‌های دیگر نویسندگان، از آسیب‌های فناوری است. برای حل این چالش‌ها، باید تدبیر مناسب را اتخاذ نمود.

البته نکته مهمی که در تولیدات نرم‌افزارهای اسلامی باید مدنظر باشد، این است که تاریخ، شرایط و اهداف تدوین آثار نیز در مجموعه آثار ذکر شود؛ به عنوان نمونه، مرحوم صدوق، آثار بسیاری داشته است؛ اما فقط ۱۵ اثر از ایشان به دست ما رسیده است. تنوع، میان آثار ایشان به چشم می‌خورد؛ برای مثال، کتاب خصال برای جمع‌آوری روایاتی است که خصلت‌ها را ذکر کرده است و مهم نبوده که این روایت، از مصادر اهل سنت باشد یا نباشد. خب، این نوع اطلاعات هم باید در نرم‌افزارها انعکاس یابد؛ چون بعضی از حقایق را مشخص می‌کند.

برخی از تحقیق‌ها نشان می‌دهد که در آثار مرحوم صدوق، بعضی روایات منتقله وجود دارد. روایات از یک منظر، به سه گروه: مشترکه، مختصه و منتقله تقسیم می‌شود. مختصه، روایاتی است که فقط در

پرتال جامع علوم انسانی

حجت‌الاسلام مؤدب:

نکته مهمی که در تولیدات نرم‌افزارهای اسلامی باید مدنظر باشد، این است که تاریخ، شرایط و اهداف تدوین آثار نیز در مجموعه آثار ذکر شود؛ به عنوان نمونه، مرحوم صدوق، آثار بسیاری داشته است؛ اما فقط ۱۵ اثر از ایشان به دست ما رسیده است. تنوع، میان آثار ایشان به چشم می‌خورد؛ برای مثال، کتاب خصال برای جمع‌آوری روایاتی است که خصلت‌ها را ذکر کرده است و مهم نبوده که این روایت، از مصادر اهل سنت باشد یا نباشد. خب، این نوع اطلاعات هم باید در نرم‌افزارها انعکاس یابد

مصادر شیعه دیده می‌شود و یا فقط در مصادر اهل تسنن است. مشترکه، روایاتی است که هم شیعه به نوعی گزارش کرده و هم اهل تسنن، به نوعی به پیامبر می‌رسانند؛ اما روایات منتقله، عملاً روایتی است که در یکی از مصادر بوده و از آن مصدر، به مصدر دیگر منتقل شده است. برخی از مشایخ مرحوم صدوق، از اهل سنت بودند. مراد از اهل سنت، وهابی‌ها نیستند. اهل سنت بزرگانی داشتند که توانمند و اهل تحقیق بودند؛ البته از نظر اعتقادی، با شیعه تفاوت‌هایی دارند؛ به عنوان مثال، عرض می‌کنم، روایت «سبعة احرف» که راجع به آن دو مقاله هم نوشتم، از مصادیق روایات منتقله است. خاطر هست که راجع به روایت «سبعة احرف»، از مرحوم آیت‌الله معرفت سؤال کردم که این روایت، شیعی است؟ ایشان فرمودند: این روایت، در مصادر شیعه است. مرحوم صدوق این روایت را ذکر کرده و از اهل سنت هم نقل نکرده است. سپس، گفتند: این روایت را باید حمل کنیم بر لهجه‌ها.

من به مرحوم آیت‌الله معرفت با کمک نرم‌افزارها اثبات کردم که این روایت، منتقله است. طریق و متن این روایت، دلالت می‌کند بر اینکه مرحوم صدوق در خصال برای درست کردن عدد «السبعة»، آن را ذکر کرده است. این روایت، در هیچ اثری از آثار شیخ صدوق نیامده و هیچ‌یک از محدثان متقدم و محمّدون ثلاث اول، آن را ذکر نکردند. همه بزرگان ما نیز این حدیث را از خصال نقل کردند.

یکی از اشخاصی که قائل به منتقله بودن این روایت است، مرحوم آیت‌الله خوبی است که می‌گویند نزول قرآن بر یک حرف بود و قرائت «سبعة»، هیچ ارتباطی با قرآن نداشته و توسط قراء درست شده است و ما روایتی در این زمینه نداریم. بنابراین، وقتی که شرایط این روایت را نگاه می‌کنیم و اینکه با چه هدفی در خصال ذکر شده است، فرق بین روایات «من لایحضره الفقیه» با روایت «خصال» روشن می‌شود. روایت خصال، از باب «تسامح در ادله من بلخ» ذکر شده است. به همین جهت، تأکید می‌کنم بازساختی راجع به شخصیت علمی مؤلفان در مرکز صورت بگیرد و این مطلب نیز ضمیمه نرم‌افزارها باشد. ■

پی‌نوشت‌ها:

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۴.
۲. محمدباقر مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۱۲، ص ۵۲۵.
۳. محمدحسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۹، ص ۱۷۸۰.
۴. سوره نساء، آیه ۳.
۵. عبدعلی بن جمعه العروسی الهویزی، تفسیر نورالتقلین، ج ۱، ص ۴۳۸.